

راه حل معقول بحران کشور:

غیرمتمرکزسازی، فدرالسازی و یا تجزیه؟

پروفیسور دکتور لعل زاد

لندن، ۲۰ جنوری ۲۰۲۲

میزبان: کانون مطالعات راهبردی افغانستان
به اشتراک: دکتور اکبر همت و حامد علمی



فهرست عناوین

طرح اکونومیست

پیشنهاد من

ویژگی‌های نظام‌های دموکراتیک

فدرالیسم

نتیجه‌گیری: گزینه اول – تسلیم (پذیرش حاکمیت طالبان)

گزینه دوم – حل مسالمت‌آمیز (مذاکره با طالبان)

گزینه سوم – غیرمتمرکزسازی حاکمیت

گزینه چهارم – فدرال‌سازی حاکمیت

گزینه پنجم – تجزیه

سرچشمه‌ها

پیشینه تاریخی – جغرافیایی سرزمین‌های ما

چگونگی ایجاد کشوری به نام افغانستان

ظهور مرض (آغاز بحران)

پیشینه/تاریخچه مرض

تشخیص (علایم) مرض

علاج/تداوی مرض (راه حل‌ها)

مبارزه/مقاومت برای تجزیه/تقسیم

مبارزه/مقاومت برای حاکمیت و نظام‌سازی

معیار ارزیابی نظام‌ها

ساختار دولت و نوع حکومت

پیشینه تاریخی - جغرافیایی سرزمین‌های ما

● امپراتوری‌ها و شاهنشاهی‌های سرزمین‌های ما (ایران/خراسان):

مادها، هخامنشیان، سلوکیان، اشکانیان، ساسانیان، کوشانیان، هفتالیان، عربان، طاهریان، صفاریان، سامانیان، غزنویان، غوریان، مغولان، تیموریان، صفویان، غلجیان، ابدالیان؛

● حکومت‌های «قوی مرکزی»، اما بدون «ساختار متمرکز»:

هر ایالت/منطقه از «استقلال داخلی» سنتی برخوردار بود و هویت، زبان، فرهنگ و دین قوم/قبیله حاکم (به استثنای دوره سلطه اعراب) بالای دیگران «تحمیل» نمی‌شد!

تا زمان عبدالرحمن مناطق بدخشان، بلخ، فاریاب، هزارستان، کافرستان و غیره قسماً به گونه مستقل و نیمه مستقل زندگی داشتند [یا در نهایت به حاکمیت‌های قوی‌تر از خود «جزیه» می‌دادند (خطبه، جزیه و سکه)]!

چگونگی ایجاد کشوری به نام افغانستان (دولت حایل)

- * «مرزها»ی آن عمدتاً در زمان امیر عبدالرحمن خان (۱۸۸۰ - ۱۹۰۱) تعیین شده است؛
- * این مرزها توسط «بریتانیه و روسیه» ایجاد شده و مردم ما در آن نقشی نداشتند (کشور مصنوعی/تحمیلی)؛
- * «استقلال» آن در زمان امیر امان الله خان (۱۹۱۹ - ۱۹۲۹) اعلان شده است؛
- * پیش از عبدالرحمن، کشوری به این نام در تاریخ و به این شکل در جغرافیای جهان وجود ندارد؛
- * تمام حاکمان تا ایجاد کشور افغانستان (عبدالرحمن/امان الله) بنام خانواده/قبیله (صفاری، سامانی)، محل/منطقه (غزنویان، غوریان) و یا خراسان/ایران نامیده شده اند (تاریخ منطقه: طوایف مستقل یا امپراتوری/شاهنشاهی ها)!



1815



1828



1855



1898

ظهور مرض (آغاز بحران: ساختار متمرکز و برتری خواهی قومی/زبانی)

* تا زمان امیر عبدالرحمن (۱۸۸۰-۱۹۰۱) چیزی بنام ادارات دولتی، تقسیمات ملکی و یا معارف و مطبوعات وجود ندارد؛ اما او به کمک پول/تسلیحات انگلیس و با زور شمشیر حکومت نموده و یک «دولت متمرکز» ایجاد می کند (پیش از آن ساختارها «فدرال/غیرمتمرکز» و یا «ملوک الطوائفی» بود)!

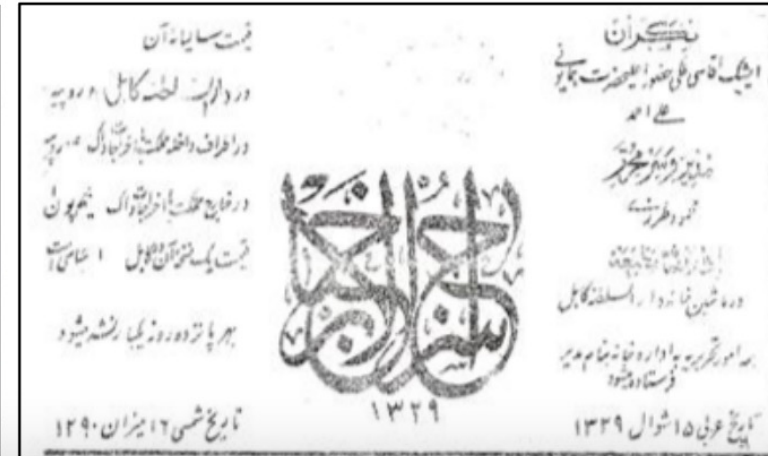
نخستین ساختار متمرکز

* در زمان امیرحبیب الله (۱۹۰۱-۱۹۱۹)، معارف (حبیبیه) و مطبوعات (سراج الاخبار) ایجاد می شود. محمود طرزی نقش اساسی در روشنگری و ایجاد مفاهیم دولت/ملت «افغانی» داشته و اندیشه های «زبان افغانی اجداد زبانه است» و «قوم افغان اجداد اقوام آریایی است» را مطرح می کند!

نخستین علایم مرض برتری خواهی قومی - زبانی



این بیانات مارابعضی برتعصب ملتی ما حمل کرده خواهند گفت که « آفای اخبار والای افغانی ، این چنین زبان غلیظ و ثقیل کلفت را که کیفیت مکلاۀ آن عادتاً بصوت سنگهای میان دبه مشابته میرساند میخواهد که اجداد زبانها ؛ وافغانهای به این کنامی و کم عددی ، وساده گی ، و کوهستانی وحشی را میخواهد اجدادیک کتله عظیمه بشریه برقم بدهد » سراج الاخبار افغانیه، شماره، ۹، ۳، دلو ۱۲۹۱ ش (۱۹۱۳)



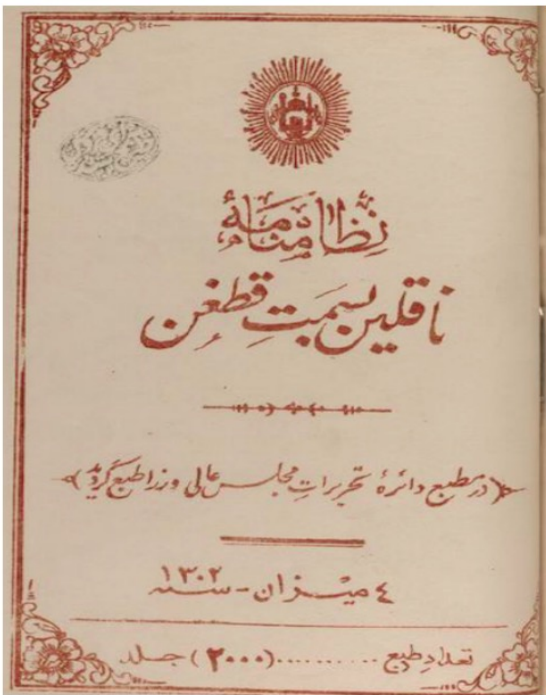
* در زمان امیرامان الله (۱۹۱۹-۱۹۲۹) ادارات دولتی، تقسیمات ملکی، مطبوعات، معارف، قانون اساسی، محو بردگی و آزادی زنان بوجود آمده و نخستین گام های عملی در جهت اسکان «**ناقلین بسمت قطن**» و نوشتن «**تاریخ افغانستان**» برداشته می شود؛

* در زمان نادرشاه (۱۹۲۹-۱۹۳۳) پروسه «افغان سازی تاریخ گذشته» در مقالات «**افغانستان و نگاهی بتاریخ آن**» و «**تاریخچه مختصر افغانستان**» توسط میر غلام محمد غبار آغاز می گردد (غزنویان، غوریان و... همه افغان نامیده می شوند)؛

* با رویکار آمدن ظاهرشاه (۱۹۳۳-۱۹۷۳) پروسه تاریخ سازی، اسطوره سازی، **افغان/پشتون/پشتو سازی** (توسط غبار، کهزاد، حبیبی و...) و محو آثار و نماد های سایر اقوام از طریق ادارات دولتی گسترش می یابد! در راس آنها هاشم خان، نعیم خان و محمد گل مهمند قرار دارند...

تشدید مرض و ادامه آن تا امروز

تاریخچه مختصر افغانستان	صفحه (۳۹)	سال اول - مجله کابل	شماره (۲)
نگارش جناب میر غلام محمد خان غبار عضو انجمن ادبی کابل	قلم میر غلام محمد	(افغانستان و نگاهی بتاریخ آن)	
سالنامه کابل ۱۳۱۱	۱۵ سرطان ۱۳۱۰		



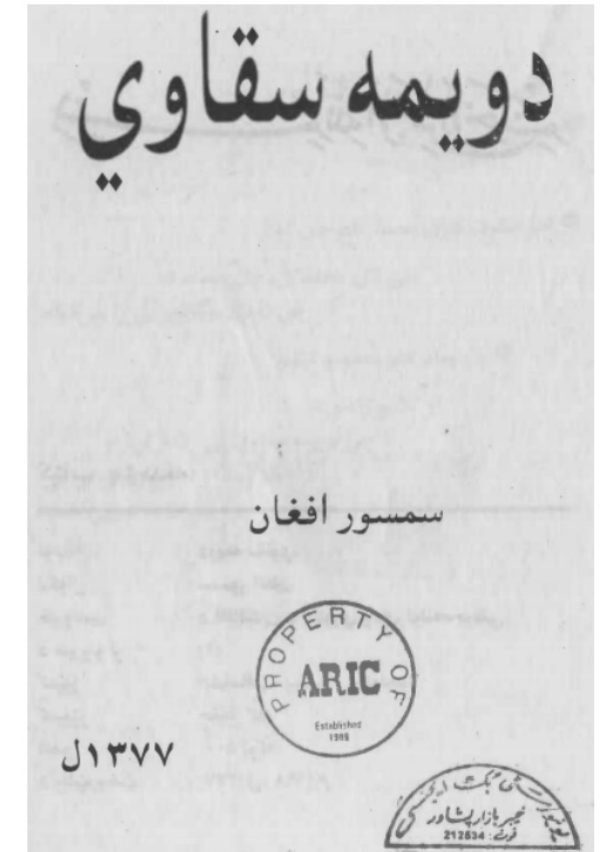
تا زمان «امان الله» هیچ کتابی بنام «تاریخ افغانستان» وجود ندارد...
نخستین آثار بنام «تاریخ/تاریخچه افغانستان» در زمان امان الله نوشته شده است...



تمام «تاریخ» های بعدی به دستور دربار دولت و در محور «قوم افغان» نوشته شده است!

برنامه «دولت/ملت سازی» حاکمان و نخبگان افغان در ۱۰۰ سال گذشته

قوم من ! ای توده والا نژاد
وی نیاکان غیورت مردو راد
باتو دارم گفتگوی محرمی
تا ز اسرار حیات آگاه شوی
بشنوای پشتون باصدق و صفا
حافظ کهسار و قلب آسیا
گربزرگی خواهی و ازادگی
یا چو اسلاف غیورت زندگی
اولا پشتو لسانت زنده ساز
هم بر این شالوده کاخت برفراز
تاتوانی تکیه بر شمشیر کن
قصر ملت را بر ان تعمیرکن
(عبدالحی حبیبی مدیر طلوع افغان ، میزان سال ۱۳۱۷ ش)



ایجاد یک «دولت قوی مرکزی» با «ساختار متمرکز» («سلب اختیارات داخلی ایالات مربوط») فرق دارد!

این پروسه با ایجاد طالبان و روی کار آمدن کرزی - احمدزی به اوج خود می رسد!

پیشینه/تاریخچه مرض: حاکمیت و نظام (دولت-ملت) سازی

- ایجاد نخستین «**ساختار متمرکز**» توسط عبدالرحمن (تمرکز قدرت) و سلب آزادی‌های سنتی مردمان/حاکمان محلی دارای استقلال داخلی (ملوک الطوائفی یا فدرال‌گونه)؛
- ایجاد «**اندیشه برتری**» طلبی یا فاشیزم قومی/زبانی (توسط محمود طرزی) در زمان حبیب‌الله (ظهور اندیشه‌های پان‌ترکیزم، پان‌ایرانیزم و پان‌افغانیزم در منطقه)؛
- آغاز «**پروسه قوم‌گرایی**» با صدور «نظامنامه ناقلین به سمت قطغن» و اشغال سرزمین‌های تاجیک و اوزبیک در زمان امان‌الله (**دولت-ملت‌سازی تک‌قومی در جامعه چندقومی**)؛
- آغاز پروسه «**تاریخ‌سازی**» برای افغانستان، **قوم‌سازی** یا افغان‌سازی سایر اقوام («هر کی از افغانستان است، افغان است»: حذف سایر اقوام)، **پشتون‌سازی** پشتوزبانان و **پشتو‌سازی** زبان‌کشور (حذف زبان پارسی) از زمان نادرشاه و تشدید آن از زمان ظاهرشاه تا امروز؛
- آغاز پروسه عدم شناخت مرز دیورند و ادعای ارضی بر نیم‌خاک پاکستان بر بنیاد اندیشه ایجاد «**لوی اوغانستان**» از ۱۹۴۹ به این سو (که دلیل اصلی «**مداخلات پاکستان**» است)!

تشخیص (علایم) مرض: حاکمیت و نظام (دولت-ملت) سازی

● مشکلات داخلی [حاکمان ... دستگاه قدرت (ساختار/قانون) ... شهروندان]:

◆ ساختار متمرکز (تمرکز قدرت، نهادهای غیرمستقل/غیرمتوازن)؛

◆ حاکمان واجب الاحترام و غیرمسئول، قومگرا (غیرانتخابی/غیرپاسخگو)؛

◆ قوانین غیر عادلانه [رعیت محور: تبعیض/امتیاز (دولت-ملت سازی قومی)]؛

◆ حاکمیت فردی/قومی (به جای حاکمیت قانون).

● مداخلات خارجی:

◆ ادعای ارضی بر نیم خاک پاکستان (ایجاد لوی افغانستان: دو فروپاشی نظام).

با آنکه در ۱۰۰ سال گذشته، «نام نظام‌ها» تغییر کرده است (شاهی، جمهوری، جمهوری دموکراتیک، دولت اسلامی، امارت اسلامی و جمهوری اسلامی)، اما «ماهیت» تمام آنها یکسان (سیاه) بوده است!

علاج/تداوی مرض (راه حل ها)

● تسلیم (پذیرش حاکمیت طالبان):

پذیرش حاکمیت قرون وسطایی، تک‌قومی، تک‌حزبی، تک‌زبانی، تک‌هویتی و همکاری با آن‌ها زیر نام حکومت «همه‌شمول»، «فراگیر» یا «مشارکتی» (که در این عصر و زمان و در درازمدت، جز برای افراد معامله‌گر/مزدور، برای دیگران غیرقابل پذیرش است)؛

● مبارزه/مقاومت (برای تجزیه/تقسیم خانه خود و یا برای آزادی/حاکمیت آن):

سرنگونی حاکمیت طالبان و ایجاد یک «نظام عادلانه» (مردم‌سالار/دموکراتیک) بر بنیاد «قوانین عادلانه» (ساختار دستگاه قدرت، صلاحیت حاکمان و حقوق شهروندان) و «حاکمیت قانون» (زیرا عدالت از نگاه حقوقی به معنای تطبیق قانون است)!

چرا به جای شعار «تجزیه/تقسیم» خانه خود، شعار «آزادی/حاکمیت» آن را بلند نه کنیم؟

مبارزه/مقاومت برای تجزیه/تقسیم (خانه خود)؟

● تجزیه یک حرف نو، بدون پیشینه و بدون دلایل عملی/تاریخی است که از عقده های ضد فاشیستی و حاکمیت قومی افغان/پشتون ها و «نفرت/بی اعتمادی» از آن ها ناشی شده است:

◆ ضرب المثل انگلیسی: «افغان را می توان کرایه کرد، اما نمی توان خرید»!

◆ بدخشی: «بی پشتون نمی شود، اما رفتن با پشتون دشوار است»!

● اما معلوم نیست: تجزیه بر چه مبنایی (قوم، زبان، مذهب) صورت گیرد، کی تجزیه کند، چند پارچه شود، مرزها چگونه تعیین شود (پارچه ها هم به «نظام سازی» نیاز دارند)؟ آیا مردم ما، کشورهای همسایه و به ویژه ابرقدرت ها موافق اند (تجزیه درونی یا پیوستن به همسایه ها)؟

+ + +

● پاکستان هرگز ایجاد یک دولت افغانی مستقل/قوی در شمال غرب خود را تحمل نمی کند!

کسانی که دانش/تجربه و غیرت/شهامت دارند، خانه خود را با «اشغال گران» تقسیم نمی کنند، بلکه برای «آزادی/حاکمیت» آن تا پای جان می جنگند (زیرا حق داده نه می شود، گرفته می شود)!

مبارزه/مقاومت برای حاکمیت و نظام(دولت-ملت)سازی: عادلانه

قوانین عادلانه و حاکمیت قانون

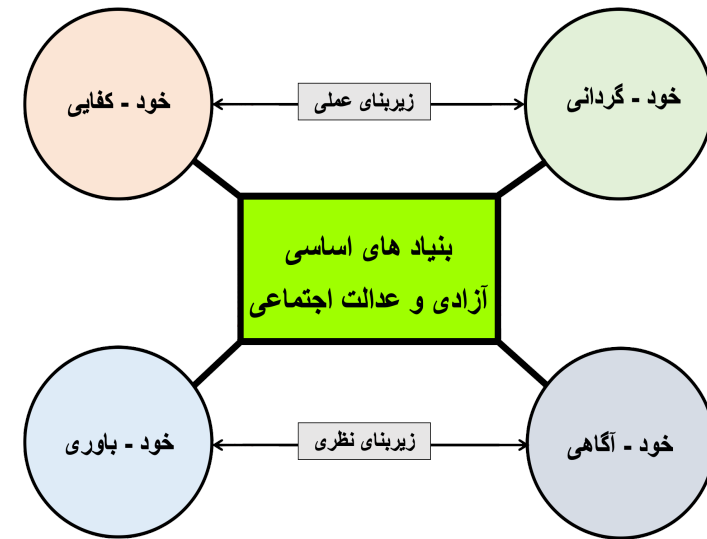
- ساختار دستگاه قدرت (غیرمتمرکز: نهادهای دولتی/غیردولتی بر بنیاد تجارب جهانی ۲۰۰ کشور): توزیع افقی/عمودی قدرت («استقلال/توازن قوای سه گانه» در مرکز و «اصل خودگردانی» در ولایات و محلات موجود)؛
- صلاحیت/اختیارات حاکمان (رانندگان): محدودسازی صلاحیت حاکمان، انتخابی بودن رهبران (دولت: اجراییه، مقتنه و قضاییه) و استخدامی بودن کارمندان (بر بنیاد شایستگی و لغو تعیین/تقرر)، «اصل پاسخگویی»؛
- حقوق شهروندان (سرنشینان: ارزش‌های انسانی ۸ بلیون/جهان و ۳۰ ملیون/کشور): حقوق بشر/زنان، کثرتگرایی (دولت سایه: احزاب سیاسی، جوامع مدنی و رسانه‌ها) به شمول آزادی بیان، ادیان و نبود تبعیض/امتیاز (دولت-ملت‌سازی شهروندی)، «اصل شهروندی»؛
+ + +
- شناسایی مرزهای بین‌المللی: ایجاد روابط دوستانه با همسایه‌ها (به ویژه پاکستان)!

گویند: ما سیب می‌خواهیم، خدا کند از درخت بید باشد (ما نظام عادلانه می‌خواهیم، مهم نیست نام آن شاهی، جمهوری یا اسلامی باشد)!

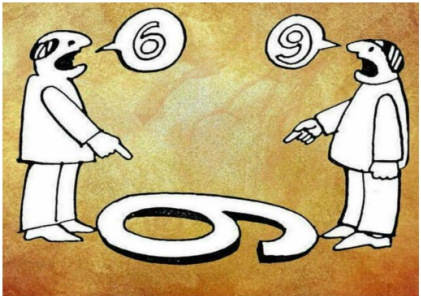
معیارهای ارزیابی/مقایسه نظام‌های سیاسی (شاخص‌ها)

غیرمتمرکزسازی یا فدرالیسم؟

جنگ بر سر نام/شکل یا ماهیت/محتوا
(انگور، عنب و اوزوم یا 6 و 9)



توزیع قدرت (امپراتوری/شاهنشاهی‌ها) یا دموکراتیزه سازی (عدالت اجتماعی)؟



«ساختار دولت» و «نوع حکومت» (جنگ بر سر نام ها یا واژه ها)

● واژه های «فدرال»، «غیرمتمرکز» و «توزیع قدرت» مترادف بوده؛ در مقابل واژه های «ریاستی»، «متمرکز» و «تمرکز قدرت» مطرح شده و نشان دهنده «**ساختار دولت**» اند؛ اما ساختارهای «ترکیبی و مخلوط» اکثراً گمراه کننده بوده و ارزیابی «**عادلانه/دموکراتیک**» بودن آنها را مشکل می سازد:

◆ کدام نظام بهتر است؟

◆ آیا بهترین نظام وجود دارد؟

◆ معیار ارزیابی چیست (نام/ماهیت)؟

◆ فرانسه: ریاستی - پارلمانی؛

◆ امریکا: ریاستی - فدرالی؛

◆ بلجیم: شاهی - فدرالی؛

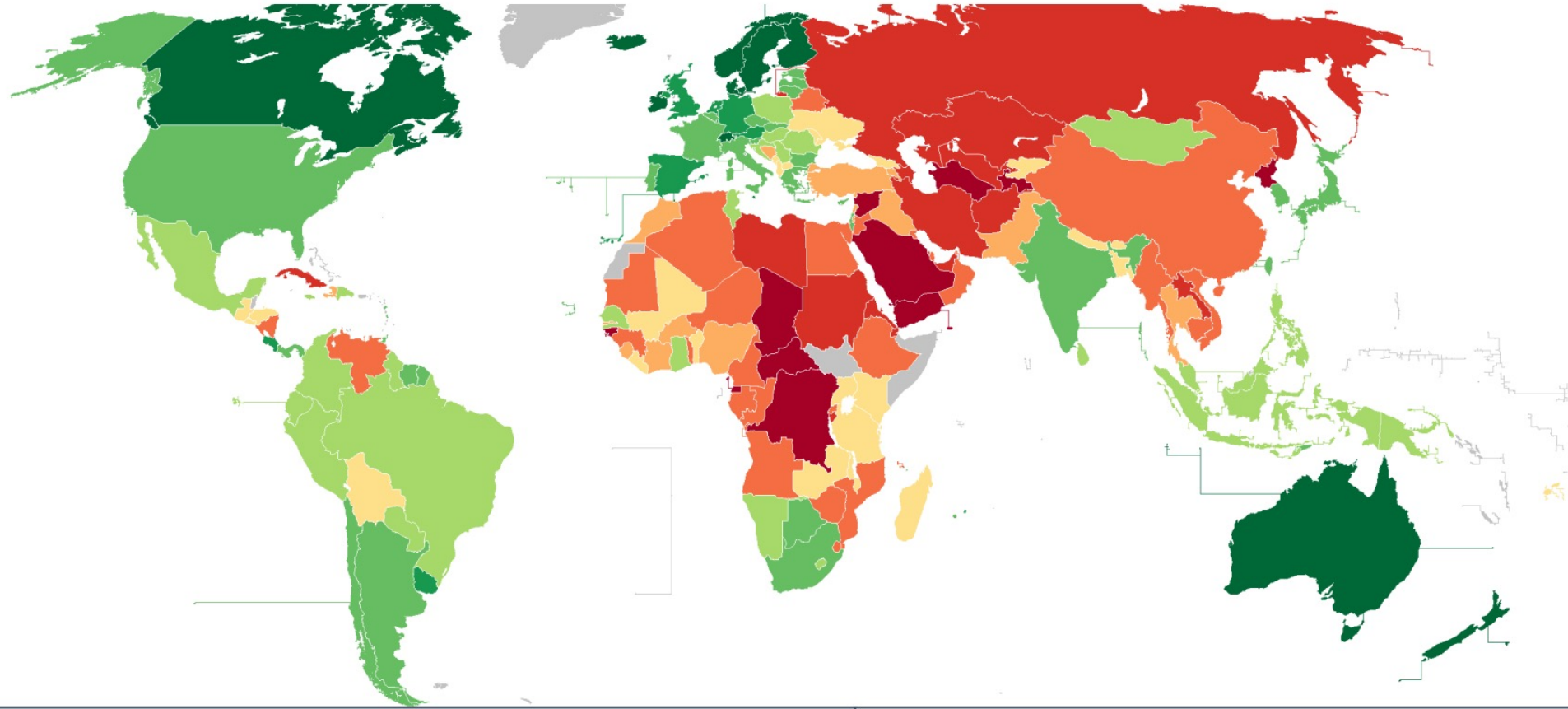
◆ برتانیه: شاهی متحده؛

◆ روسیه: جمهوری فدرالی؛

● واژه های «صدارتی» و «پارلمانی» نشان دهنده «**نوع حکومت**» اند؛

آنچه در ارزیابی نظام ها اهمیت دارد، «ماهیت» آنهاست، نه «نام یا ساختار ظاهری/رسمی» آنها!

معیار ارزیابی: طرح اکونومیست (دموکراسی کامل، دموکراسی ناقص، رژیم دوگانه، رژیم اقتدارگرا)



The Economist	Intelligence Unit
معیارهای ارزیابی	
* انتخابات/کثرتگرایی	
* کارکرد حکومت	
* مشارکت سیاسی	
* فرهنگ سیاسی	
* آزادی های مدنی	

The Economist Intelligence Unit Democracy Index map for 2018

Full democracies	Flawed democracies	Hybrid regimes	Authoritarian regimes
9.01–10	7.01–8	5.01–6	3.01–4
8.01–9	6.01–7	4.01–5	2.01–3
			0–2

Type of regime	Score (s)	Number of countries	Percentage of countries	Percentage of world population
Full democracies	$8 < s$	20	12.0	4.5
Flawed democracies	$6 < s \leq 8$	55	32.9	43.2
Hybrid regimes	$4 < s \leq 6$	39	23.4	16.7
Authoritarian regimes	$s \leq 4$	53	31.7	35.6

پیشنهاد من: معیارهای اساسی برای ارزیابی نظام ها

تقسیم نظام ها (بر بنیاد ماهیت یا ارزش آنها)

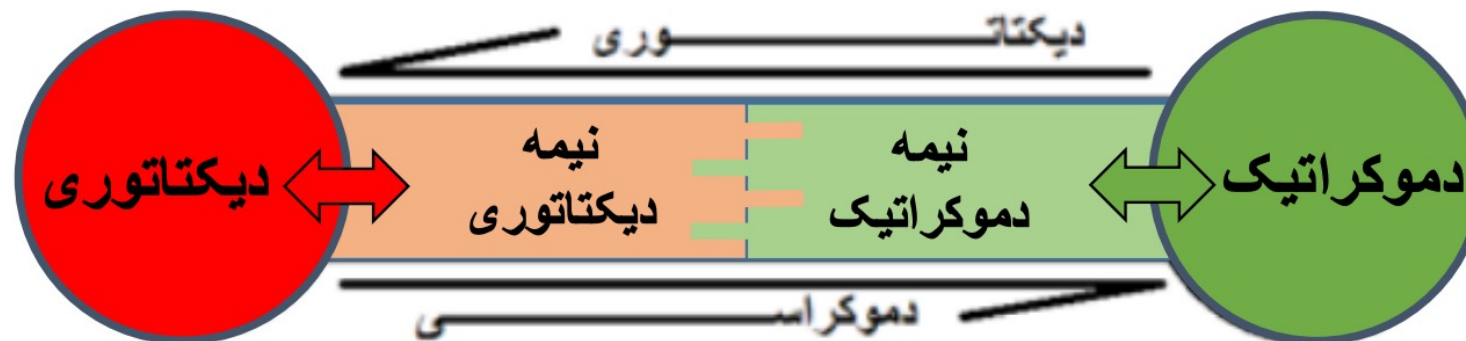
دیکتاتوری (زور/تحمیل)	دموکراتیک (تفاهم/توافق)
ساختار متمرکز (تمرکز قدرت)	ساختار غیرمتمرکز (توزیع قدرت)
قوانین غیر عادلانه (تبعیض/امتیاز)	قوانین عادلانه (لغو تبعیض/امتیاز)
رهبران غصبی/انصبی/ارشی	رهبران انتخابی و پاسخگو
حاکمیت رهبران (قوانین غیر عادلانه)	حاکمیت قوانین عادلانه

طرح اکونومیست

The Economist Intelligence Unit

معیارهای ارزیابی

- * انتخابات/کثرتگرایی
- * کارکرد حکومت
- * مشارکت سیاسی
- * فرهنگ سیاسی
- * آزادی های مدنی



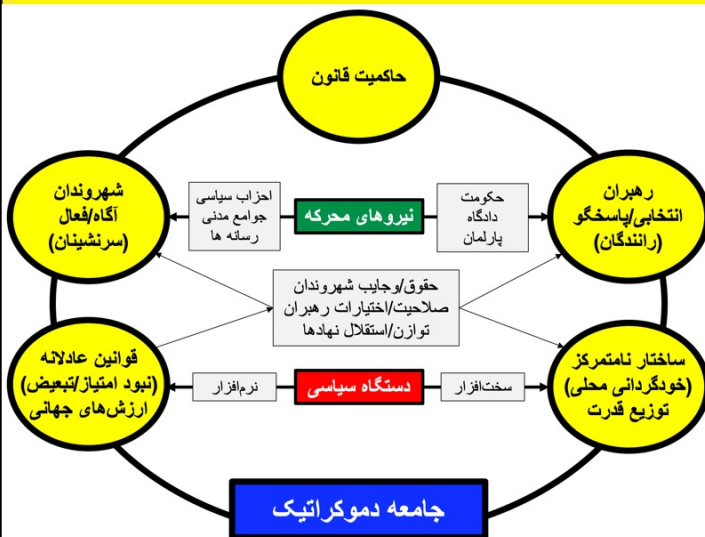
ارزیابی اکونومیست	(۵۳)	(۳۹)	(۵۵)	(۲۰)	تخمین کشورها در ۲۰۱۸
-------------------	------	------	------	------	----------------------

عادلانه (شهروندان) ← مبارزه بی پایان ← (زورمندان) استبداد

ویژگی‌های نظام‌های دموکراتیک!

● یک نظام «دموکراتیک» («عدالانه» یا «مردم‌سالار») نه بر اساس «توزیع مساویانه قدرت و ثروت» در بین افراد، اقوام و مذاهب؛ بلکه بر بنیاد فراهم آوری «شرایط، امکانات و فرصت‌های مساوی و مناسب» برای همه «شهروندان» آن کشور ایجاد می‌شود (واحد اساسی در یک جامعه/نظام دموکراتیک «شهروند» است؛ نه «قوم»، «زبان»، «مذهب»، «منطقه» و غیره)!

● شاخص‌های بنیادی در یک «نظام/جامعه دموکراتیک»:



◆ ساختار نامتمرکز (توزیع قدرت یا خودگردانی محلی)،

◆ قوانین عادلانه (تجارب/ارزش‌های جهانی)،

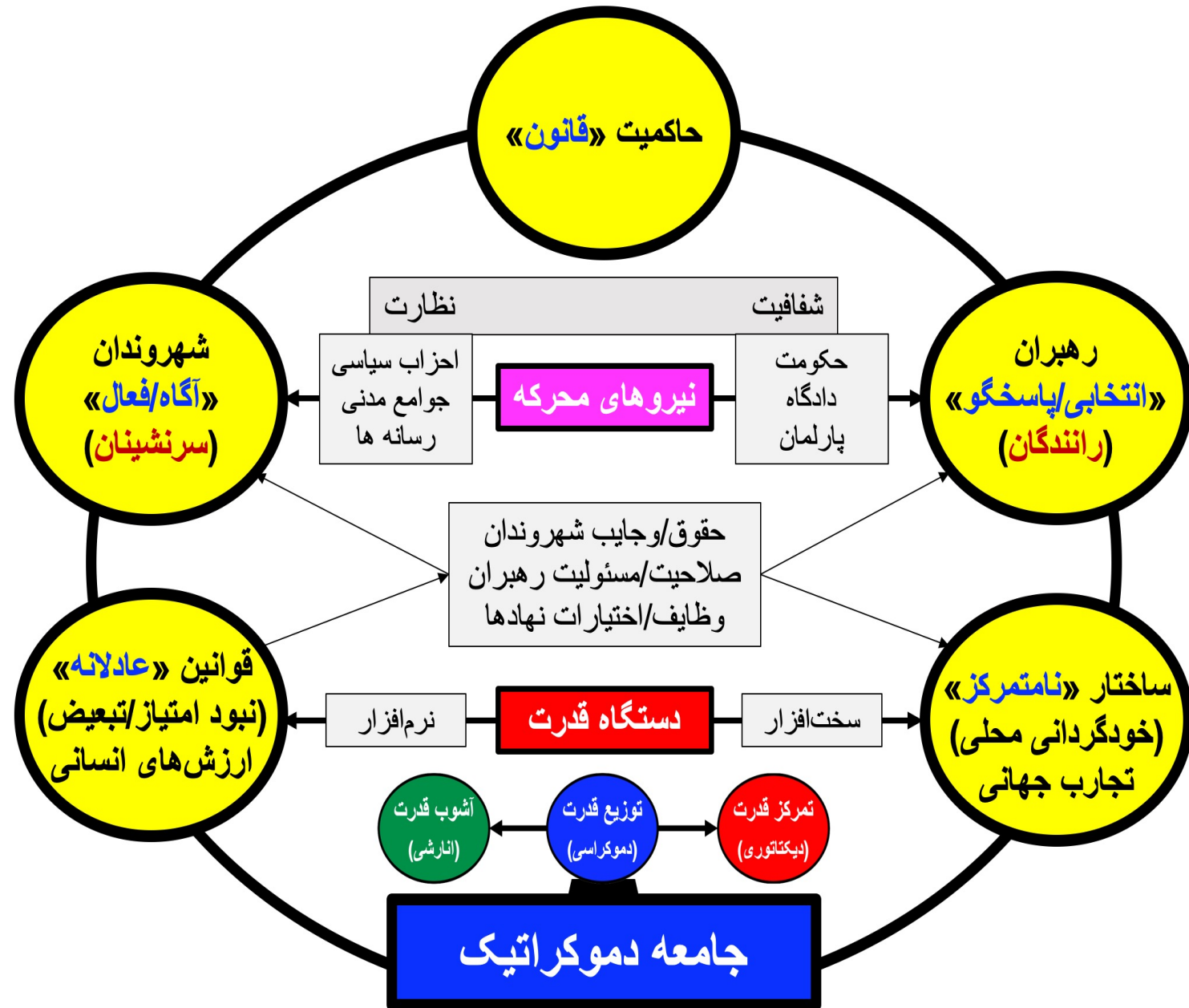
◆ رهبران انتخابی/پاسخگو،

◆ شهروندان آگاه/فعال،

◆ حاکمیت قانون!

شهروند: افراد مساوی الحقوق در یک جامعه دموکراتیک (صرفنظر از وابستگی‌های قومی، زبانی و مذهبی آنها) است!

رانندگان ... دستگاه قدرت (ساختار/قوانین) ... سرنشینان



فدرالیسم (کنفدرالیسم)

● پیوندهنده (متمرکزسازی): «اتحاد داوطلبانه» چند منطقه/ایالت/کشور دارای استقلال/حاکمیت برای ایجاد یک دولت قوی مرکزی (مانند امریکا، سوئیس، آلمان و...) (دموکراسی/عدالت اصلا مطرح نبود)!

◆ چنانچه فدرالیسم امریکا که حدود ۲۵۰ سال و سوئیس حدود ۱۷۰ سال سابقه دارد، تا ۶۰ سال پیش، حقوق سگ-سیاه در امریکا یکسان بود و تا ۵۰ سال پیش، زنان سوئیس حق اشتراک در انتخابات را نداشتند (حدود ۵۰ - ۶۰ سال پیش دموکراتیک شدند)!

کلاسیک

● جداکننده (غیرمتمرکزسازی): «تقسیم اداری» یک کشور بر بنیادهای قومی/زبانی/مذهبی و دادن برخی اختیارات (در قانون اساسی) برای جلوگیری از گرایش‌های آزادی/تجزیه طلبانه آن «ایالات» (مانند روسیه، پاکستان، سودان، عراق و... که مانع تجزیه/تنش/تضادها نشده است) (دموکراتیک نیستند)!

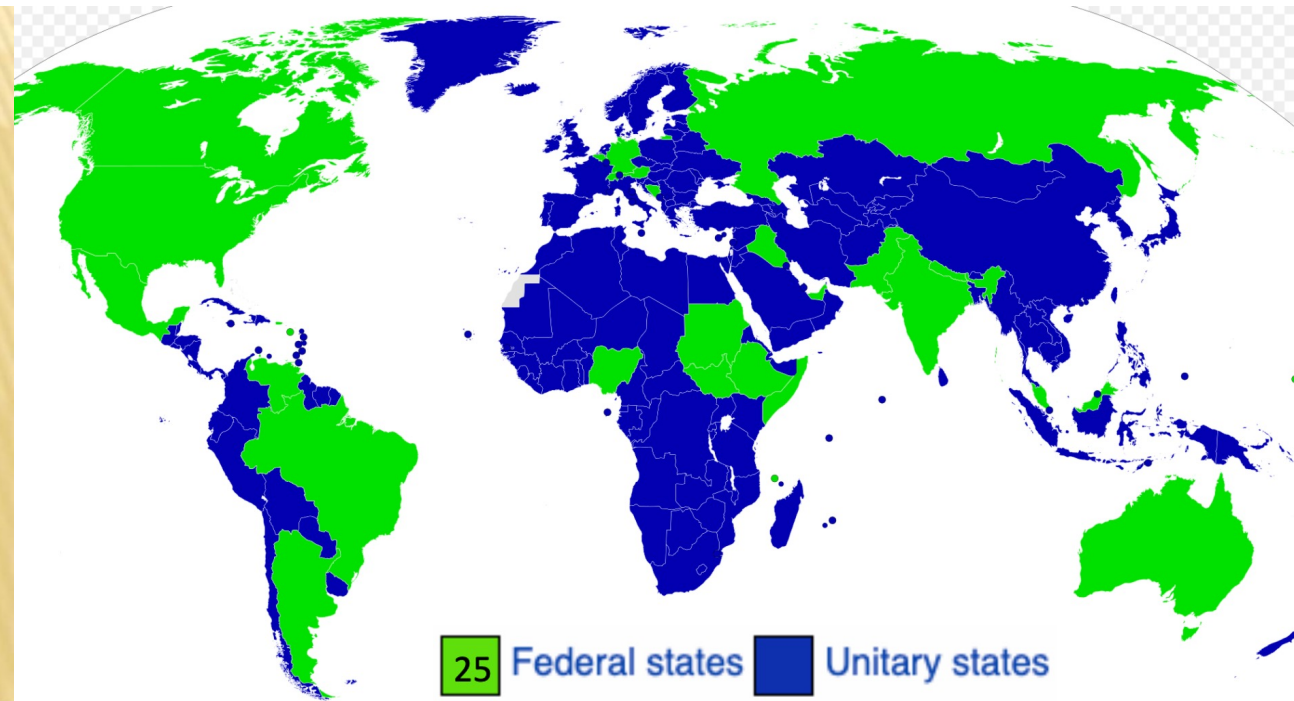
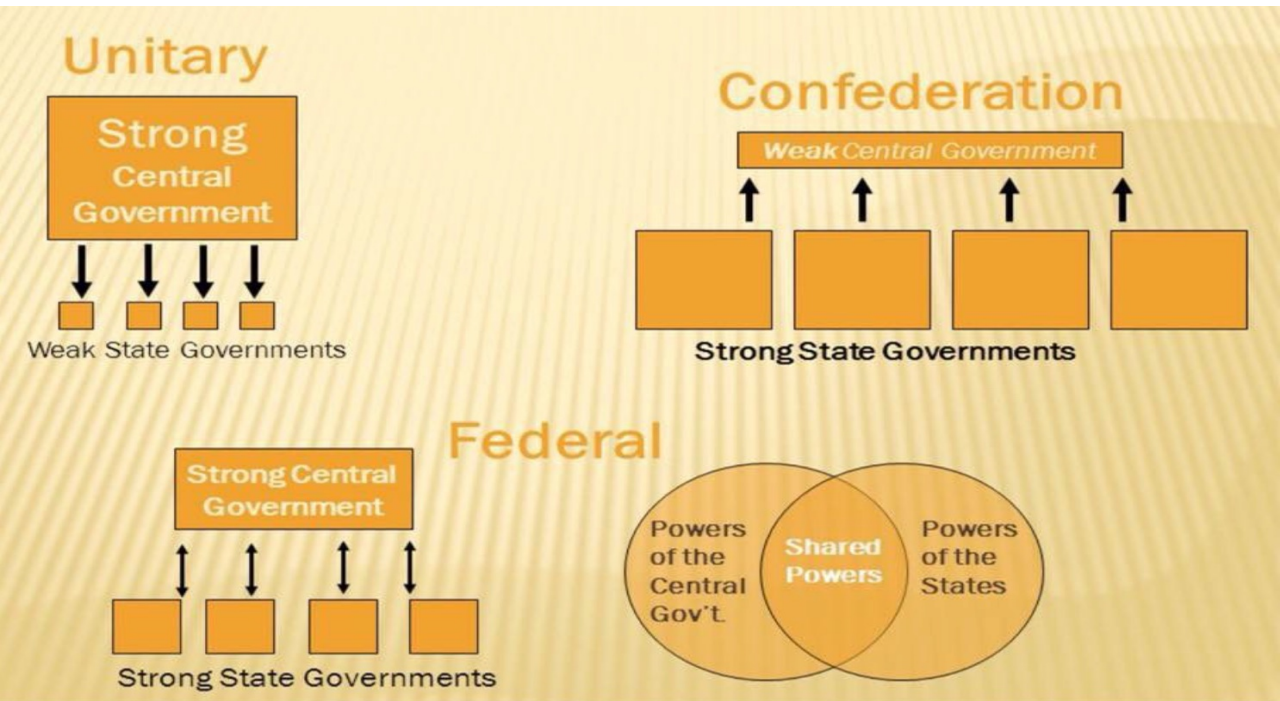
◆ چنانچه از حدود ۲۵ کشور فدرالی در جهان، تنها یکسوم آن‌ها دموکراتیک و دوسوم آنها استبدادی اند (در حالیکه دهها کشور شاهی/جمهوری با «تفویض قدرت» دموکراتیک شده اند).

نوین

● فدرالیسم در اروپا بر حول یک حکومت مرکزی ضعیف‌تر شکل گرفت (دموکراتیک اند)!

● پس آنچه مهم است، «ماهیت نظام»ها یا رایه حکومتداری بهتر برای «مردم» است (در حالی که دهها «ایزم» ادعای «برتری» بر یکدیگر دارند: کمونیزم، لیبرالیزم، سکولریزم، فدرالیزم، پارلمانتاریزم و یا مخلوطی از آنها: لیبرالدموکراسی، سوسیالدموکراسی، فدرالدموکراسی، بورژوادموکراسی و...)! ● «ایزم»ها در دنیای امروزی/علمی، جای خود را به «ارزش»ها(ی آنها) داده اند!

در یک جامعه دموکراتیک، مهم نیست «کی» حکومت می کند، بلکه «چگونه» حکومت می کند!



فهرست کشورهای فدرالی (به ترتیب سال ایجاد آنها)

امریکا - ۱۷۷۶	مکسیکو - ۱۸۲۱	سوئیس - ۱۸۴۸	ارجنتاین - ۱۸۵۳
ونزوئلا - ۱۸۶۳	کانادا (شاهی) - ۱۸۶۷	برازیل - ۱۸۸۹	استرالیا (شاهی) - ۱۹۰۱
روسیه - ۱۹۱۸	استریا/اتریش - ۱۹۲۰	هند - ۱۹۴۷	پاکستان - ۱۹۴۷
جرمنی - ۱۹۴۹ (۱۸۷۱)	سودان - ۱۹۵۶	نایجیریا - ۱۹۶۰	مالیزیا (شاهی) - ۱۹۶۳
امارات (شاهی) - ۱۹۷۱	جزیره کوموروس - ۱۹۷۵	جزایر میکرونیزیا - ۱۹۷۹	جزایر سینت/کیتس (شاهی) - ۱۹۸۳
بلجیم (شاهی) - ۱۹۹۳	بوسنیا هرزگوینا - ۱۹۹۵	حبشه - ۱۹۹۵	عراق - ۲۰۰۵
سودان جنوبی - ۲۰۱۱	سومالی - ۲۰۱۲	نیپال - ۲۰۱۵	

کامرون، یوگوسلاویا، شوروی، چکوسلواکیا، پاکستان، تانزانیا، قبرس و... تجزیه شدند!

فدرالیسم از نگاه تاریخی، ذاتاً «محتوای دموکراتیک» ندارد!
شاید به همین علت، پدram از واژه «فدرالیسم دموکراتیک» استفاده می کند!

تاریخ نشان می‌دهد: «پیشرفت» کشورها تا اندازه زیادی تابع «اراده حاکمان» بوده است، نه «نوع نظام‌ها» (جدا از اینکه امپراتوری، شاهی، جمهوری، اسلامی، غیراسلامی، دموکراتیک یا غیردموکراتیک بوده اند: امریکا، روسیه، فرانسه، چین، برتانیه، جرمنی، جاپان و...)!

چرچیل: فقر و اقتصاد ضعیف دو دلیل دارد: یا حاکمان احمق اند یا احمق‌ها حاکم؛ جنگ و خشکسالی بهانه است!

نتیجه‌گیری

مشکل اساسی: هیچ نسخه واحدی برای درمان تمام دردها وجود ندارد!

راه حل: استفاده از دستاوردهای جهانی «دانش/تجربه» و روش «آزمون/خطا»!

گزینه اول – تسلیم (پذیرش حاکمیت طالبان)

● پذیرش حاکمیت قومی/دینی طالبان و همکاری با آنها برای گرفتن چوکی و مقام (زیر نام حکومت فراگیر، همه‌شمول، مشارکتی و یا قطع جنگ، برقراری صلح، وحدت ملی و غیره).

● در بین همه اقوام و اقشار، همیشه شماری «مزدور/معامله‌گر» وجود دارد که در خدمت «اشغالگران/تجاوزگران» قرار می‌گیرند و هویت و شخصیت خود را (با بهانه‌های گوناگون) در بدل «قدرت/ثروت» می‌فروشند (نمونه‌های فراوانی از آنها در درازنای تاریخ وجود دارد)!

گزینه دوم – حل مسالمت‌آمیز حاکمیت (مذاکره با طالبان / جامعه جهانی)

- ایجاد «دولت موقت یا حکومت انتقالی» (با توافق جانبین، ملل متحد و ابرقدرت‌ها)؛
- «غیرنظامی‌سازی» شهرها و جلوگیری از «مداخلات» همسایه‌ها (موجودیت نیروهای ملل متحد)؛
- تهیه و تصویب «قانون اساسی عادلانه» [توزیع افقی/عمودی قدرت، حاکمان انتخابی/پاسخگو و نبود امتیاز/تبعیض (قومی، زبانی و مذهبی)]؛
- فراهم سازی شرایط برای «برگزاری انتخابات» آزاد، شفاف و عادلانه (زیر سرپرستی ملل متحد)؛
- برگزاری انتخابات و ایجاد «دولت قانونی/مشروع» (ادامه پروسه دولت-ملت سازی دموکراتیک و مردم‌سالار)!

هدف اساسی: ایجاد یک حاکمیت/دولت مشروع و قانونی (عادلانه)

گزینه سوم - غیر متمرکز سازی حاکمیت (دولت-ملت سازی عادلانه)

* **تبار/قوم - محور:** بر بنیاد یک قوم توسط «زور و غلبه» (برنامه «سقاوی دوم» یا تفکر «حلیم تنویر»);

* **ایدئولوژیک/آرمان - محور:** راست (اخوت/امارت اسلامی) و چپ (انترناسیونالیزم/دیکتاتوری پرولتری);

* **ارزش/شهروند - محور:** بر بنیاد «شهروندان آگاه/فعال»:

● رهبران انتخابی و پاسخگو (تطبیق کننده قانون);

● قوانین عادلانه (حقوق شهروندی، لغو هرگونه تبعیض/امتیاز);

● ساختار غیرمتمرکز (توزیع افقی/عمودی قدرت، نهادهای مستقل/متوازن);

● حاکمیت قانون;

حاکمیت قانون

نهادهای مستقل/متوازن

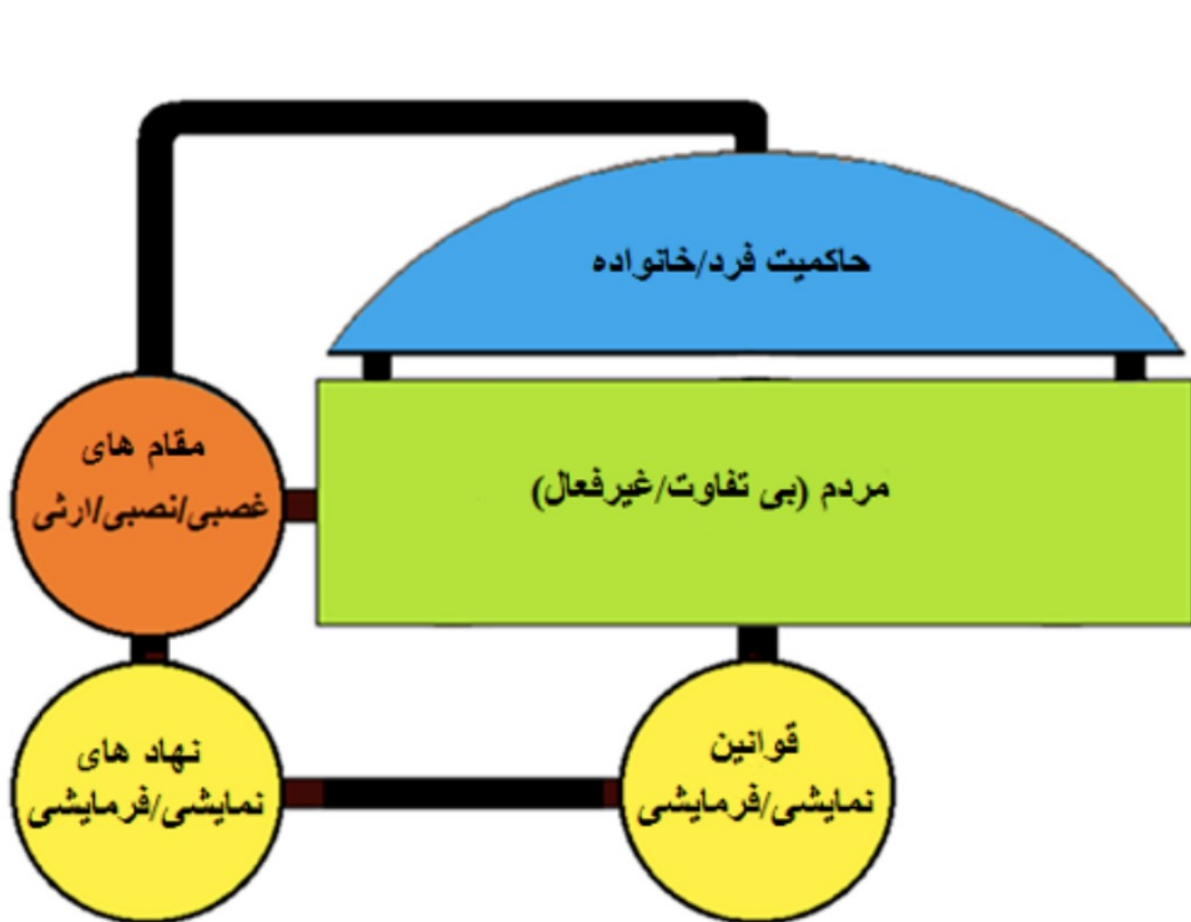
قوانین عادلانه

رهبران انتخابی/پاسخگو

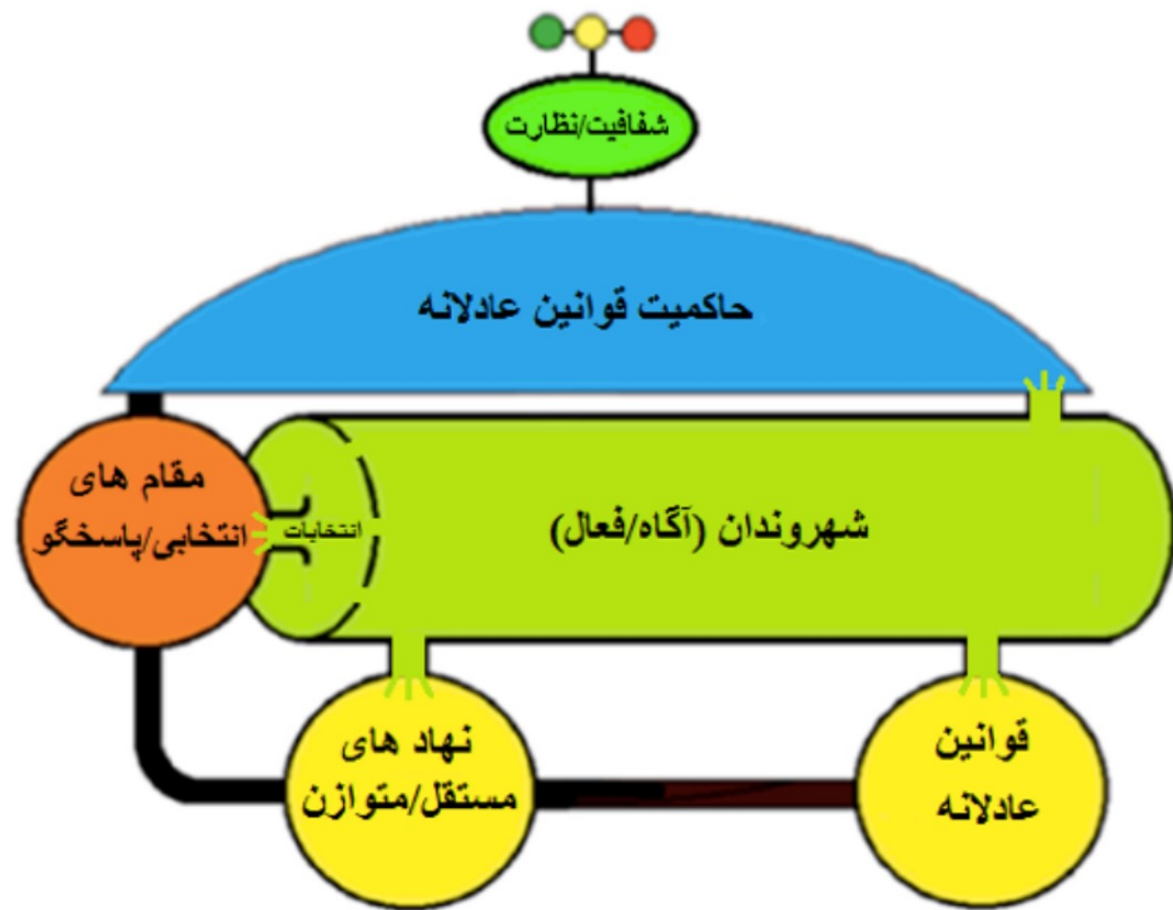
شهروندان آگاه/فعال

ماهیت نظام ها (حاکمیت قوانین عادلانه) = رهبران/مقام ها + قوانین/مناسبات + ساختار/نهادهای

ساختار جوامع دموکراتیک (عدالانه) و غیردموکراتیک (استبدادی)



ساختار جوامع غیردموکراتیک (استبدادی)



ساختار جوامع دموکراتیک (عدالانه)

گزینه چهارم - فدرال‌سازی حاکمیت

● مهم نیست که نام نظام را شاهی، جمهوری یا اسلامی بگذاریم! آنچه اهمیت دارد، چگونگی «دموکراتیزه‌سازی» شاخص‌های آن («حاکمان ... دستگاه قدرت (ساختار/قوانین) ... شهروندان») است.

● درحالی‌که فدرالیسم «محتوای دموکراتیک» ندارد، هر دو شرط آن (پیونددهنده و جداکننده) در کشور وجود ندارد و تضادهای قومی حاد است، شعار «فدرالیسم یگانه راه حل»، مفهوم «فدرالیسم قومی» پیدا کرده و منجر به «درگیری‌های قومی» در «تقسیم ولایات» براساس «قوم‌سازی» می‌شود (زیرا قوم را آنقدر سیاسی ساخته‌اند که همه چیز «قوم-محور» شده: پرچم قومی، ولایت قومی، امتیاز قومی و...)!

● اما «غیرمتمرکزسازی»، نظام «عدالت/نهاد/مردم/شهروند - محور» را در چوکات ولایات موجود فراهم می‌کند (زیرا ما به یک دوره «اعتمادسازی» و «شهروندسازی» در بین اقوام نیاز داریم تا مشکلات آینده کشور را گام به گام و در فضای «تفاهم/توافق» حل کنند، نه از طریق «زور/تحمیل»!)

زیرا در دنیای واقعی، «نظام کامل و بی نقص» وجود ندارد!

در یک جامعه دموکراتیک، مهم نیست «کی» حکومت می‌کند، بلکه «چگونه» حکومت می‌کند!



گزینه پنجم - آیا امکان تجزیه/جدایی دوستانه وجود دارد؟



اگر نمی توان «هموطن خوب» بود، آیا می توان «همسایه خوب» بود؟

کسانی که سلاح بر دوش می گیرند و جان های خود را در راه «میهن» فدا می کنند، برای «آزادی/حاکمیت» آن می جنگند (نه برای «تجزیه/تقسیم» آن)!

در این صورت باید «حاکمیت» خانه و کاشانه خود را به دست آورد، پرچم صلح، آزادی و عدالت اجتماعی را برافراشت، «اشغالگران و تجاوزگران» را به سرزمین های آبایی و اجدادی شان فرستاد و روابط نیک و دوستانه با همسایگان برقرار ساخت!

در تاریخ کشور و حالاتی که شرایط تجزیه عملاً وجود داشت، رهبران و بزرگان ما شعار تجزیه ندادند و طرفدار تجزیه نبودند (مانند بدخشی، مسعود و... با آنکه «ستمی»، «تجزیه طلب» و... نامیده شدند)!

افغانستان نمی تواند تجزیه شود، اما می تواند فرو بپاشد!

لذا، رسالت فرزندان اصیل و راستین آن است که درفش آزادی، استقلال، دانش، فرهنگ و تمدن را که روزی بر تارک نگین «خراسان» و «خراسانیان» در شرق می درخشید، بار دیگر بر فراز کوهپایه های هندوکش برافرازند و روح نیاکان خود را شاد سازند!

دوستان را شاد گردان، دشمنان را کور کن

بار دیگر غوره ها را پخته و انگور کن

دشت را و کشت را پر حله و پر جور کن

(مولوی)

آفتابا بار دیگر خانه را پر نور کن

از پس کوهی برآ و سنگ ها را لعل ساز

آفتابا بار دیگر باغ را سرسبز کن

سرچشمه ها

(تمام لینک‌های داده شده فعال اند)

لعل زاد. راه حل مشکلات قومی در افغانستان (ترجمه). اگست ۲۰۱۱

<http://www.khorasanzameen.net/php/read.php?id=771>

لعل زاد. غیرمتمرکزسازی قدرت در افغانستان (ترجمه). اکتوبر ۲۰۱۱

<http://www.khorasanzameen.net/php/read.php?id=848>

لعل زاد. نظام غیرمتمرکز. اکتوبر ۲۰۱۲

<http://www.khorasanzameen.net/php/pdf/alalzac09.pdf>

لعل زاد. نامه رورابکر به خلیل زاد (ترجمه). جنوری ۲۰۱۳

<http://www.khorasanzameen.net/php/read.php?id=1577>

لعل زاد. خودگردانی اداری (ترجمه). اگست ۲۰۱۳

<http://www.khorasanzameen.net/php/read.php?id=1978>

لعل زاد. نظام غیرمتمرکز (کنفرانس مونیخ). اگست ۲۰۱۳

<http://www.khorasanzameen.net/php/pdf/alalzac10.pdf>

لعل زاد. اسلام و دولت در افغانستان (ترجمه). اکتوبر ۲۰۱۳

<http://www.khorasanzameen.net/php/read.php?id=2066>

لعل زاد. گزینه های صلح و حکومتداری (ترجمه). دسمبر ۲۰۱۳

<http://www.khorasanzameen.net/php/read.php?id=2220>

لعل زاد. گزینه های صلح و حکومتداری (ترجمه). دسمبر ۲۰۱۳

<http://www.khorasanzameen.net/php/read.php?id=2220>

لعل زاد. مناسبات مرکز و اطراف (ترجمه). جنوری ۲۰۱۴

<http://www.khorasanzameen.net/php/read.php?id=2253>

لعل زاد. راه حل بحران کشور (کنفرانس لندن). فیرووری ۲۰۱۴

<http://www.khorasanzameen.net/php/pdf/alalzac12.pdf>

<http://www.khorasanzameen.net/php/read.php?id=2376>

لعل زاد. ساختار نظام سیاسی. مارچ ۲۰۱۴

<http://www.khorasanzameen.net/php/read.php?id=2434>

لعل زاد. معیارهای دموکراتیک بودن نظام ها. سپتمبر ۲۰۱۶

<http://www.khorasanzameen.net/php/pdf/alalzac21.pdf>

لعل زاد. وضع موجود در کشور و راههای حل آن (کنفرانس لندن). جولای ۲۰۱۷

<http://www.khorasanzameen.net/php/pdf/alalzac31.pdf>

لعل زاد. مشکلات دولت/ملت سازی در کشور و راههای حل آن (کنفرانس هالند). دسمبر ۲۰۱۹

<http://www.khorasanzameen.net/php/pdf/alalzac44.pdf>

صباغیان، علی. ریشه ها، ساختار و تحول فدرالیسم در جمهوری فدرال آلمان. فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۵۱، شماره ۴ زمستان ۱۴۰۰

<http://ensani.ir/file/download/article/1638786538-10163-1400-4-7.pdf>

افراسیابی، اسماعیل. سیستم فدرالیسم در ایالات متحده امریکا. مجله کانون وکلا. شماره ۲۰۰ و ۲۰۱، ۱۳۸۷

[http://ensani.ir/file/download/article/20110208101802-\(2416\).pdf](http://ensani.ir/file/download/article/20110208101802-(2416).pdf)

تاج، احمدسروش. تمرکززدایی، چرا فدرالیسم. ۲۷ جدی ۱۳۹۷

<https://8am.af/decentralization-why-federalism/>

طلعتی، مهدی. فدرالیسم: (پاسخی به یک پرسش). ۲۴ اسفند ۱۳۹۵

<https://www.bbc.com/persian/39270205>

خوبروی پاک، محمد رضا. ناکارایی فدرالیسم: پندهای از کشورهای فدرال (پاکستان، کومور، مالیزی و هند)...

<https://farda.us/library/federalism.pd>

فدرالیسم. ویکیپدیا

<https://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%81%D8%AF%D8%B1%D8%A7%D9%84%DB%8C%D8%B3%D9%85>

<https://en.wikipedia.org/wiki/Federation>

مارتین لوترکینگ کی بود و چرا تا هنوز در زمانه ما مهم است؟

<https://www.bbc.com/persian/world-60030790>

OECD. Making Decentralisation Work. A Handbook for Policy Maker. 2019.
https://www.oecd.org/cfe/Policy%20highlights_decentralisation-Final.pdf

Yuliani, E. Linda. Decentralization, deconcentration and devolution. 2004.
https://www.cifor.org/publications/pdf_files/interlaken/Compilation.pdf

Johnson, Craig. Decentralisation in India. 2033.
https://assets.publishing.service.gov.uk/media/57a08cf240f0b6497400154e/wp199_print.pdf

Bokenforde, Markus. Decentralized Forms of Government. 2011.
<https://www.corteidh.or.cr/tablas/28321.pdf>

Prezeworski, Adam. Self-Government in Our Times. 2009.
<https://www.annualreviews.org/doi/pdf/10.1146/annurev.polisci.062408.120543>

Salter, W. Alexander. A Theory of Self-Governance. 2019.
https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=3084099

Self-governance.
<https://en.wikipedia.org/wiki/Self-governance>